

# آرامگاه همایون پادشاه در دہلی

مهدی غروی

معاون رایزنی فرهنگی سفارت شاهنشاهی در هند و نیال

یا مطلقه شدند، از خواهران و برادران همایون نیز آنها که از مادر باوی اشتراک داشتند همه مردند. ماهم بیگم مادر همایون در خانه بابر مقامی نظیر عایشه در خانه پیغمبر داشت<sup>۱</sup> این دختر از سادات جام و نواده شیخ جام احمد زندبیل بوده است<sup>۲</sup> و شاید یکی از علل احترام و محبوبیت فوق العاده جامی در هند همین مسئله باشد که دوتن از ملکه های مقرب پادشاهان گورکانی جامی بوده اند:

ماهم بیگم ملکه بابر و مادر همایون.

حمیده بانو بیگم ملکه همایون و مادر اکبر.

مقام و موقعیت ماهم بیگم در دربار بابر بی نظیر بود و پس از فوت بابر نیز در دستگاه همایون ملکه محبوبیت فوق العاده داشت، در میان دخترانش نیز بابر به گلبدن بیگم دختر دلدار بیگم توجه زیاد داشت و از قراری که گلبدن خودش می نویسد از دوسالگی تحت تربیت و تکفل ماهم بیگم قرار گرفت، این دختر به فرمان پدرش بابر از سن هشت سالگی شروع به نوشتن تاریخ زندگی همایون بنام همایون نامه کرد که امروز از مهمترین منابع موجود درباره تاریخ اجتماعی و سیاسی بایران هند بخصوص همایون است.

مقدر چنان بود که همایون نیز با دختری از بستگان مادرش و از نواده های شیخ جام عروسی کند. هیچکس مانند گلبدن بیگم که خود در جریان عروسی حضور داشته و مادرش نقش اصلی و واسطه ازدواج را عهده دار بوده نتوانسته این واقعه را آنچنان که بوده توصیف کند، حمیده از دست-

«موجودیت، شکوه چشم گیر، عظمت و برتری غیر قابل انکار بنای همایون در میان همه بناهای اسلامی هند بر دواصل معماری ایرانی استوار شده:

- طاقهای شکیل و زیبا در هر چهار طرف بنا.

- گنبدی عظیم با شکلی مطبوع و روکشی از مرمر سفید.»

ر. ا. ویلر، استاد و مدیر کل باستانشناسی هند<sup>۳</sup>

در میان همه امپراطوران مغولی هند هیچکدام مانند همایون از لحاظ خصوصیات ایرانی و توجه و علاقه به فرهنگ ایران مشخص و ممتاز نیستند، وی نامش ایرانی بود، از مادری ایرانی تولد یافت ملکه اش ایرانی بود، در هنگام سختی به ایران پناه برد و با کمک ایران تاج و تخت از دست رفته را دوباره بدست آورد، به هنر و فرهنگ ایرانی علاقه داشت زبان رسمی دربار که در دوران پدرش بابر ترکی جغتائی بود فارسی شد، همایون به زبان و ادبیات فارسی توجه فراوان داشت و از خود یک دیوان شعر فارسی بجای گذاشت، در نتیجه اقامت در ایران این توجه و علاقه همایون به فرهنگ ایرانی چند برابر شد، اگرچه هنوز پایتخت صفویان آقروین بود و اصفهان درخشش هنری خود را آغاز نکرده بود، شاگردان بهزاد هنرمند نامی ایران در هرات، و بناهای بزرگ دوره ایلخانان در روحیه وی اثر فراوان گذاشت بطوری که ویرا بحق می توان پایه گذار هنر و ادب ایرانی در هند دانست، البته ناگفته نباید گذاشت که بابر پدر همایون نیز ادب دوست و هنر پرور بود و کتاب بایرنامه اش (در زمان اکبر از ترکی جغتائی به فارسی برگردانده شد) از بهترین و جالب ترین کتابهایی است که درباره هند آن روز نوشته شده است. اگرچه بابر چهار زن عقدی داشت اما پس از تولد همایون بتدریج زنان دیگر محبوبیت خود را از دست دادند، یا مردند

۱- این مطلب از مقدمه کتابی بنام: مقبره همایون و بناهای الحاقی آن که در سال ۱۹۴۶ توسط س. ۱۰۱. تقوی نوشته شده اقتباس شده است.  
۲ و ۳- ابوالفضل علامی = اکبرنامه جلد اول ص. ۱۳۶.

پروردگان میرزا هندل برادر همایون بوده است و پس از پیروزی شمشامسوری بر همایون، همایون ناچار شد که بسوی بلوچستان و افغانستان عقب‌نشینی کند و برادرش میرزا هندل- مأمور جمع‌آوری و انتقال زنان خاندان بابری از هند به افغانستان بود و در بکر (واقع در کنار رودخانه سند، شرق بلوچستان) به برادرش ملحق شد.

داستان علاقمند شدن و ازدواج همایون با حمیده بانو را از زبان گلبدن بیگم بشنویم؛<sup>۴</sup> (حرمهای میرزا و همه مردم میرزا حضرت پادشاه را درین مجلس ملازمت کردند. حمیده بانو بیگم را پرسیدند که این چه کسی است؟ گفتند که دختر میربابا دوست<sup>۵</sup>. خواجه معظم<sup>۶</sup> روبروی حضرت استاده بود. گفتند - این پسر بما خویش می‌شود. حمیده بانو بیگم را گفتند که اینهم خویش ماست.

در این ایام حمیده بانو بیگم اکثر در محل میرزای بود. روز دیگر باز حضرت بدین حضرت والدہ دلداریگم آمدند. فرمودند - میربابا دوست خوشاوند ماست - مناسب آنست که دختر او را بما نسبت بکنید. میرزا هندل عذرهای می‌گفتند که این دختر را من مثل خواهر و فرزند خود می‌دانم - حضرت پادشاه اند - مبادا معاش نیک نشود تا باعث کلفت شود. حضرت پادشاه خشم کرده برخاسته رفتند.

بعد از آن حضرت والدہ خطی نوشته فرستادند که مادر دختر از این هم بیشتر ناز میکند - عجبت که به اندک سخن رنجیده رفتند. حضرت پادشاه در جواب نوشته فرستادند که این حکایت شما بما بسیار خوش آمد هر نازی که می‌کنید بسرو چشم قبول داریم. دیگر از جهت معاش که نوشته‌اند انشاءالله - حسب‌المدعا خواهد شد - چشم انتظار در راه است. حضرت والدہ رفته حضرت پادشاه را آوردند. آن روز مجلس دادند. بعد از مجلس بمنزل خود تشریف بردند. روز دیگر حضرت پیش والدہ آمدند و گفتند که کسی فرستید حمیده بانو بیگم را طلبیده و بیاورند و حضرت والدہ که کسی فرستادند حمیده بانو بیگم نه آمدند - گفتند - اگر غرض ملازمت است خود آن روز بملازمت مشرف شده‌ام - دیگر برای چه بیایم؟

مرتبہ دیگر حضرت سبحان‌قلی را فرستادند که میرزا هندل را رفته بگو که بیگم را بفرستید. میرزا گفتند - هر چند من گفتم نمیرود - تو خود رفته بگو - سبحان‌قلی که رفته گفت - بیگم جواب دادند که دیدن پادشاهان یک مرتبه جایز است - در مرتبہ دیگر نامحرمست - من نمی‌آیم. سبحان‌قلی که از بیگم این حرف شنیده آمده بعرض رسانید. حضرت فرمودند اگر نامحرم اند محرم می‌سازیم. غرض که تا چهل روز از جهت حمیده بانو بیگم مبالغه و مناقشه بود و بیگم راضی نشدند. آخر حضرت والدہ دلداریگم نصیحت کردند که آخر خود بکسی خواهی رسید - بهتر از پادشاه که خواهد

بود - بیگم گفتند آری بکسی خواهم رسید که دست من بگیرد او برسد - نه آنکه بکسی برسم که دست من میدانم بدامن او نرسد. آخر بار والدہام نصیحت بسیار کردند.

غرض که بعد از چهل روز در ماه جمیع الاول سنه ۹۴۸ هجری قمری و چهل و هشت در هنگام پانز روز دوشنبه نیم‌روز بود که استرلاب را حضرة شاه بدست مبارک خود گرفته‌اند و ساعت بعد را اختیار کرده میرابوالبقا را طلبیده حکم فرمودند که نکاح بستند. مبلغ دولک نکاحانه به میر ابوالبقا دادند.<sup>۷</sup>

داستان مسافرت همایون به ایران و گرفتاریها و مشکلات وی بخصوص پس از طغیان برادران بسیار مفصل و خواندنی است و در بعضی جاها رهائی همایون و زرش ازین مهلکه‌ها به معجزه بیشتر شباهت دارد و یک بار پیش از رسیدن به ایران همایون فقط یک اسب داشت که خودش سوار شد و ناچار ملکه را که ماههای آخر حاملگی را می‌گذراند جلو خود سوار کرد، حمیده پس از زائیدن فرزندش را در افغانستان گذاشت و خود همراه پادشاه به ایران آمد، اقامت همایون و حمیده بانو در دربار شاه طهماسب و بخصوص مهربانیهای شاهزاده سلطان خواهر شاه نسبت به این زن جالب توجه است و دو پادشاه مانند دو برادر و دو دوست این دوران را گذراندند از جمله هدایائی که میان ایشان رد و بدل شد و دارای جنبه تاریخی است این نمونه را ذکر می‌کنیم:

همایون الماسی تقدیم کرد که ۶۵ مثقال وزن داشت و پدرش بابر از ابراهیم‌شاه گرفته بود و این همان الماس معروف کوه نور بود<sup>۸</sup> شاه طهماسب نیز جنگی را که عنده‌ای از هنرمندان ایران تهیه کرده بودند بعنوان هدیه به حمیده بانو بیگم داد که خود یکی از انگیزه‌های توجه همایون و حمیده بانو به ایران و هنر ایران گردید و البته معرفی هدایای رد و بدل شده خود نیاز به وقت و فرصت بیشتر دارد.

همایون هنگام عبور از خراسان برای رسیدن به قزوین علاوه بر زیارت مشهد امام‌رضا علیه‌السلام در تربت جام زیارت قبر شیخ جام نایل گردید، طبق کتیبه‌ای که در تربت جام یافت شده همایون و حمیده بانو در سال ۹۵۱ ازین مکان گذشته‌اند متن کتیبه که حاوی یک رباعی نیز هست ازینقرار می‌باشد:

۴ - ورق ۴۲ و ۴۳ نسخه منحصر بفرد کتاب همایون‌نامه، موزه بریتانیا.

۵ - روایت دیگر وی دختر شیخ علی‌اکبر جامی آخوند میرزا هندل بود. زندگی و عصر همایون ص ۲۰۶.

۶ - برادر منحصر بفرد حمیده بانو بیگم که در مسافرت به ایران نیز همجا همراه خواهرش و همایون بوده است.

۷ - علت توجهی که درین مقاله به حمیده بانو شده اینست که سازنده اصلی بنا پس از فوت همایون این بانوست که شرح آنرا ذکر خواهیم کرد. - دولک یعنی ۲۰۰ هزار.

ای رحمت تو عذرپذیر همه کس  
ظاهر به جناب تو ضمیر همه کس  
درگاه در تو قبله‌گاه همه کس  
لطفت به کرشمه دستگیر همه کس

آواره سحرای هلاکت محمد همایون ۱۴ شوال ۹۵۱  
همایون یکبار دیگر نیز از تربت جام دیدن کرده بود .  
سرانجام دوران اقامت همایون در ایران پایان رسید و  
شاه طهماسب یک نیروی مجهز ۱۵ هزار نفری قزلباش همراه  
همایون کرد و همین نیرو بود که افغانستان را بار دیگر  
تحت اختیار همایون قرارداد . وی در سال ۹۶۱ تخت پدیری را  
در هندوستان نیز بدست آورد و در سال ۹۶۳ در اثر یک تصادف  
غم انگیز کشته شد .

فوت همایون از عزت و احترام و مقام عالی بیوه وی  
حمیده بانو چیزی نکاست ، امپراتور اکبر برای مادر خود  
احترام فوق‌العاده قایل بود و او را آزاد گذاشت تا هرگونه  
که دلش میخواست مقبره‌ای برای شوهر محبوبش بسازد ،  
این زن نجیب بزرگ‌منش پنجاه سال پس از فوت شوهر و  
۶۳ سال پس از ازدواج در شهریور ۱۰۱۳ فوت کرد ، ثمره  
زندگی او پرورش امپراتور اکبر بود که در میان سلاطین  
مشرق از لحاظ نحوه تفکر و روش‌بینی ممتاز بود و این ساختمان  
که هنوز پس از چهارصد سال گذشت زمان می‌درخشد .

صرفنظر از فرق‌های جزئی و بی‌اهمیت بنای همایون  
و بنای تاج با عظمت و زیباییهای خاص خود به‌مدیگر شباهت  
زیاد دارند ، همانگونه که پایه و اساس هر دو بنا بر عشق و  
محبت استوار شده است . درین یکی محبوب که امپراتوری با  
تقوی و عادل بود بخاک سپرده شد و در آن یکی محبوبه  
که ملکه‌ای زیبا و مهربان بود و جان خود را فدای زندگی  
زنانشی کرد آرمیده است ، در تاج‌بند امپراتور را نیز پس  
از مرگش بدستور اورنگ‌زیب جانشین وی در جوار ملکه  
دفن کردند و در آرامگاه همایون ملکه در گوشه شمال‌شرقی  
محوطه زیر گنبد محلی برای خود در نظر گرفت و هرگز راضی  
نشد که در جوار قبر شوهر مدفون شود زیرا برای شاه مقاصد  
بالا تر از انسان معمولی در نظر داشت .

در آرامگاه همایون گذشته از پادشاه و ملکه بدن عده  
دیگری از خاندان بایری و بزرگان کشور در طی سه قرن دفن  
شد که چند نفرشان را ذکر می‌کنیم :

تن بدون سر شاهزاده دارا شکوه ولیعهد دانشمند  
شاه جهان که توسط برادرش اورنگ‌زیب کشته شد . این پنج  
امپراتور : جهاندارشاه ، فرخ‌سیر ، رفیع‌الدرجات ، رفیع‌الدوله  
و عالمگیر دوم . سرنوشت امپراتوری بایری هند نیز در بنای  
همایون تعیین شد ، آخرین پادشاه مغولی هند بهادرشاه دوم  
و پسرانش میرزا مغول ، میرزا خضرسلطان و میرزا ابوبکر

در آخرین روزهای انقلابی سال ۱۸۵۷ پس از شکست و خواری  
فراوان به بنای همایون پناه بردند ، ستوان هودسن انگلیسی  
هرسه نفر را دستگیر ساخت ، پسران را به دستور وی در  
تزدیک شامجهان آباد کنار دروازه‌ای که امروز خونی دروازه  
نام دارد سر بریدند و سرهاشان را برای پدر بیچاره آوردند ،  
خود بهادرشاه را به رانگون تبعید کردند و جنازه‌اش را پس  
از مرگ به دهلی آوردند و در کنار بدن پسران ناکام و پدران  
تاجدارش بخاک سپردند .

همایون نیز مانند پدرش بابر باغهای بزرگ را که  
درخت و سبزه و آب جاری داشته باشد دوست داشت ، اما وی  
نیز مانند بابر هرگز نتوانست در هند باغ و عمارتی آنطور که  
آرزو داشت بسازد محل سکونت همایون در دهلی قلعه کهنه  
در جوار باغ وحش فعلی است و محوطه‌ای که برای آرامگاه  
وی در نظر گرفتند در جنوب این قلعه و شمال‌شرقی آرامگاه  
نظام‌الدین اولیا تزدیک رودخانه جمنا بود راه دهلی به آگرا  
از کنار آن می‌گذشت و بمقبره سلاطین افغانی دهلی (لودی‌ها)  
تزدیک بود . در اطراف آرامگاه چند بنای قدیمی دیگر نیز  
وجود دارد که از آن جمله است چله‌خانه نظام‌الدین و مقبره  
عیسی‌خان ، بنای عیسی‌خان حد فاصلی است میان سبک‌های  
معماری هند اسلامی پیش از مغول و هند اسلامی دوران مغول  
که هر دو از سبک‌های معماری ایرانی متأثر بوده‌اند ، در  
طرحهای پیش از مغول از سبک معماری سلجوقیان مایه گرفته  
شده ، اساس بناهای این دوره عبارت بوده از یک مربع که  
صحن اصلی مسجد یا مقبره (در اصل یعنی دوران ساسانی  
آتشکده) را تشکیل می‌داده و این چهار گوش در بالا اضلاع  
بیشتر (۸ ، ۱۶ ، ۳۲) یافته تبدیل بدایره می‌شود که طاق  
نیم‌کره یا گنبد بروی آن قرار دارد . نمونه‌هایی از این نوع  
بنای اسلامی در هند و بخصوص دهلی فراوان یافت می‌شود که  
از آن جمله است مقبره غیاث‌الدین تغلق در تغلق آباد و بارا گنبد  
در جوار مقبره لودی‌ها ، مهمترین اثر معماری امپراتوری  
این بناها اضافه شدن چتری است ، چتری در سال ۱۰۰۰  
میلادی در خاجوراهو اختراع و بکار برده شد و پیش از شروع  
دوران مغول به بناهای اسلامی هند اضافه شد ، مقبره عیسی‌خان  
بهترین نمونه آنست ، در اطراف مقبره ایوانی است ستون‌دار  
سقف این ایوان دارای تزئینات کاملاً اسلامی - ایرانی است ،  
ایوان شش گوش است و در هر ضلع سه ستون دارد ، در اطراف  
گنبد هشت چتری و ۱۶ مناره بسیار کوچک ساخته شده که  
عیناً در مقبره همایون نیز از آن اقتباس شده است .

درین بنا و بناهای مشابه آن یک نوع یکتواختی و

۸ و ۹ - هر دو مطلب از ص . ۳۳۲ و ص . ۲۲۸ کتاب زندگی  
و عمر همایون نقل شده و منبع اصلی مجله آسیائی در سالهای ۱۸۹۸  
و ۱۸۹۷ می‌باشد .

ناپختگی محسوس بچشم می‌خورد، بنای همایون به این دوران ناپختگی و سنگ‌کاری بدون ظرافت پایان داد، ناگفته نباید گذاشت که مقبره شرف‌سوری رقیب و دشمن سرسخت همایون، در ساسانام بهار نخستین بنائی است که با حفظ اصول قبلی معماری هند اسلامی از سبک معماری جدید مغولی هند که در حقیقت همان سبک معماری ایران در دوره ایلخانیان است مایه گرفته.

همایون و حمیده بانو هنگام اقامت در ایران از گنبد سلطانیه دیدن کردند و بدون شك این بازدید در روحیه هر دو نفرائر مستقیم داشت، بخصوص محوطه زیر گنبد همایون با محوطه زیر گنبد سلطانیه شباهت فراوان دارد و شاید بانوی مزبور الگوی اصلی که در نظر داشته همان بنای گنبد سلطانیه بوده است. معمار اصلی بنا ایرانی بوده و از قرار نوشته پرسی براون<sup>۱۰</sup> میرك میرغیاث‌الدین نام داشته و طبق درخواست و دستور وی گروهی از بنایان و هنرمندان ایرانی به دهلی آمده و در سرای بزرگی که اکنون خرابه‌های آن در جنوب غربی آرامگاه وجود دارد ساکن شدند، اگرچه این سرا امروز عریسرا نامیده می‌شود اما به احتمال قوی مسکن و ماوای این کارگران و هنرمندان بوده است که به امر حمیده بانو بکار گماشته شده بودند و این احتمال که این سرا مسکن سیمند نفر از علما بوده است که توسط حمیده بانو از مکه به دهلی کوچانده شده بودند پایه و اساس درستی ندارد.<sup>۱۱</sup>

برخی از باستانشناسان اثر نفوذ معماری ترکان آناتولی را نیز در بنای همایون تشخیص داده‌اند اما هیچیک غامی از معماران ترك که در ساختمان آن شرکت داشته باشند نبرده‌اند، رنه گروه هنگامی که از بناهای عهد بابر (مسجد پانی‌پات و مسجد سامبال) بحث می‌کند از يك نفر ترك عثمانی بنام سنان و شاگردش یوسف نام می‌برد که حتی در ساختمان بناهای عهد اکبر: قصرهای دهلی، آگرا و لاهور ذوق و سلیقه‌اش اثر داشته است اما درباره بناهای همایون ساکت است و در پایان بحث خود نتیجه می‌گیرد که:

بهر صورت آنچه مهم است و بطور طبیعی عامل اصلی شمرده می‌شود نفوذ ایران است<sup>۱۲</sup>

بدون شك بنای همایون آغاز دوره جدیدی است در معماری هند که باید بدان دوره توسعه و عظمت نام داد. بناهای مهمی که در وسط باغها ساخته شده‌اند و در همه ذوق شاعرانه و روح معماری ایرانی وجود دارد، بناهای زیبا و مجلل در وسط باغهای مصفا (چهارباغ). از آن جمله‌اند: مقبره خان خانان در دهلی، مقبره اکبر در سکندره، مقبره جهانگیر در شاهدره لاهور، مقبره اعتمادالدوله و تاج‌محل در آگرا، مقبره ملکه اورنگ‌زیب در اورنگ‌آباد و بنای صفدر جنگ در دهلی، مقبره صفدر جنگ آخرین بنای مجلل درین

گروه است که در قرن دوازدهم هجری ساخته شده و چهار چتری آن بیشتر رنگ گلدسته مساجد ایران را بخود گرفته است تا چتری هندی. علاوه برین عمارات و قصرهای نشیمنی امیراتوران نیز در وسط چهار باغهای مصفا ساخته شدند.

نخستین چیزی که در بنای همایون چشم را خیره می‌سازد عظمت و بزرگی بناست، مصالح ساختمانی آن غیر از گنبد مرمرین سنگ‌سیاه و سنگ‌سرخ است. صرف نظر از چترهای اطراف گنبد هرچه هست ایرانی است و این سبک معماری ایرانی است که ازین بعد در طی سه قرن در تمام بناهای دوره بآری هند بچشم می‌خورد<sup>۱۳</sup>.

بنای همایون از لحاظ جسم و روح هر دو ایرانی است<sup>۱۴</sup> آنها نه تنها یکی از بهترین نمونه‌ها بلکه یکی از عالیترین نمونه‌ها که در عین خصوصیات معماری معاصر خود را نیز حفظ کرده است. گنبد بنای همایون يك گنبد کاملاً ایرانی است که در اثر بعضی عوامل جغرافیائی ممکن است بدان از لحاظ سبک تاتار اطلاق شود اما در حقیقت همان گنبد دویوستانه‌ای ایرانی است که توسط ترکان اقتباس و تکمیل و توسط پابریان هند به تنها درجه تکامل و زیبایی خود رسید. این نوع گنبدسازی را ایرانیان در هند رواج دادند و بهترین نمونه آن گنبد مقبره خان خانان در دهلی است<sup>۱۵</sup>.

تاریخ نشان نمی‌دهد که در هیچ جای جهان جز ایران ساختمان چنین بنائی سابقه داشته باشد. گنبدی با این عظمت و زیبایی، مطلقاً، ایوانها در هیچ جا جز بناهای ایران دیده نمی‌شود. اطاقهای قسمت داخلی بنا و محوطه زیر گنبد نیز کاملاً از ایران اقتباس شده و بجزرات می‌توان گفت که فقط هند می‌توانست با قدرت سحرآمیز هنرمندان و صنعتگران ایرانی و مصالح ساختمانی فراوان و عالی خود از جمله مرمر و سنگ سرخ چنین شاهکاری را بوجود بیاورد<sup>۱۶</sup>.

بنای همایون از لحاظ روح و جسم، بعنوان بهترین نمونه معماری معرف ذوق و سلیقه استعداد و کاردانی دولت باستانی آسیا ایران و هند است که هر دو از لحاظ معماری و کارهای ساختمانی در طراز اول قرار دارند<sup>۱۷</sup>.

۱۰- پرسی براون = معماری بر اسلامی هند ص. ۹۷. بمبئی.

۱۱- دهلی و بناهای اطرافش: دکتر د. شرما، تشریح اداره کل باستانشناسی ص. ۹۱ سردر ورودی شرقی عریسرا با کاشیکاریهای جالب شبیه بناهای دوره تیموریان و اوایل صفویه است و در روی آن کتیبه‌های از مهربانو وجود دارد و سقف هشتی این سردر دارای نقاشیها و گچ‌برهائی است که بکار هنرمندان ایرانی شباهت زیاد دارد.

۱۲- هند: رنه گروه ص. ۱۳۴.

۱۳ و ۱۴- شهرهای مغولی هند: گاون هامبلی، لندن ۱۹۶۸.

۱۵- شهرهای مغولی هند = گاون هامبلی ص. ۴۱.

۱۶ و ۱۷- پرسی براون = معماری اسلامی هند ص. ۹۸.

سکوی بزرگی که بنا بروی آن ساخته شده ۴ پا بلندی دارد، طبقه اول ساختمان که هر ضلع آن را ۱۷ طاقما و اطاقهای متعدد تشکیل داده خود ۱۷ پا بلندی دارد و از هر طرف با یک راه پله مستقیماً به سکوی آخرین که اصل بنا برویش ساخته شده منتهی میگردد. ارتفاع گنبد ۴۲٫۵ متر است و در چهار سمت محوطه زیر گنبد چهار هشت گوش بزرگ بوجود آمده که هر یک راه خاصی دارد و این محوطه‌ها با خارج و با محوطه مرکزی با پنجره‌های تمام قد مشبك مرمری مربوط شده است، بطوریکه می‌توان گفت تمام فضای زیر بنا یک محوطه واحد است که با احترام امپراطور آنها را از محوطه مرکزی جدا کرده‌اند در چهار گوشه پشت‌بام عمارت که گنبد در وسطش قرار دارد چهار چتری بزرگ ساخته شده که در حقیقت بروی آن چهار محوطه هشت گوش استقرار یافته و در بالای چهار ایوان بزرگ ورودی نیز هشت چتری کوچک ساخته‌اند و روی هر هفت ۲۴ مناره بسیار کوچک نیز در اطراف بنا ساخته‌اند، مناره‌های بزرگتر در روی ایوانها و مناره‌های کوچکتر در اطراف چتری‌های بزرگتر ساخته شده و یک هم‌آهنگی و توازن خاصی همراه با چتریها بوجود می‌آورند.

بنای همایون دارای مناره نیست. جز دو کتیبه کوچک بروی سنگهای یادبود (قرن دهم و سیزدهم) و مقداری کتیبه عربی (آیات قرآن) درین بنا کتیبه‌ای دیده نمی‌شود، نقاشی منحصر است به نقاشی ساده‌ای در سقف یکی از هشتی‌های چهارگانه اطراف بنا.

چنین بنظر می‌رسد که سقف محوطه زیر گنبد نیز دارای این‌گونه نقاشیها بوده و در سالهای اخیر از بین رفته است، در محوطه آرامگاه حمیده بانو و قرینه آن در مغرب گنج‌بریه‌ای بسیار ظریف شبیه گنج‌بریه‌های دوره لودی‌ها که اقتباس از گنج‌بری عصر سلجوقیان ایران است برجای مانده.

آرامگاه در وسط باغ بزرگی ساخته شده است که شکل مربع دارد، ابتدا این محوطه را به نه مربع مساوی تقسیم کرده‌اند و مربع وسط را برای احداث بنا در نظر گرفته‌اند، هشت مربع باقیمانده که چهار باغ نام دارند هر یک به چهار قسمت بخش شده‌اند و چهار خیابان پهن از جلو پله‌ها به چهار سمت باغ که دارای دیواری عظیم است امتداد یافته در جنوب و غرب به دو دروازه عظیم می‌رسند، راه شمالی به منبع آب و راه شرقی بیک ساختمان کوچک و مصفا که بطرف رودخانه جننا نگاه می‌کند منتهی می‌شوند.

قطعه در وسط مربعی که در جنوب شرقی قرار دارد گنبد و مقبره‌ای ساخته شده که تاریخ آن سال ۹۹۹ است و متعلق به دلاک یا آرایشگر بانی بنا بوده است و در خارج از محوطه

نزدیک رودخانه جننا گنبدی با کاشیهای آبی باقیمانده و بدنه شمالی آن حاوی بهترین نوع کاشی است که در هند وجود دارد و بدون شک با دست هنرمندان ایرانی ساخته شده، این بنا آرامگاه فهیم‌خان دوست و مشاور خان خانان سردار معروف بابرین است. بنای همایون با صرف مبلغ ۱٫۵ میلیون روپیه در سال ۹۷۶ پایان پذیرفت.

«در سال چهاردهم جلوس اکبر بنای مقبره جنت‌آشیانی همایون پادشاه وقوع یافت... بخرج مبلغ پانزده لک روپیه انجام و اتمام پذیرفت»<sup>۱۸</sup>.

بحث خود را در باره بنای همایون خاتمه داده بررسی تحولات معماری هند اسلامی و تحقیق در بساره نفوذ معماری ایرانی در هند را که خود نیاز به یک مقاله جداگانه دارد به وقت دیگر می‌گذاریم و در پایان مقال این ادعای جالب رنه گروسه هندشناس و هنرشناس معروف فرانسه را ذکر می‌کنیم:

«نقشی که ایران در قرن ۱۶ در تکوین فرهنگ و هنر هند اسلامی برعهده داشت مشابه بود با نقش ایتالیا در عصر رنسانس برای تکوین فرانسه، عهد رنسانس و قرون جدید با آنهمه درخشندگی و عظمت»<sup>۱۹</sup>.

برای تهیه این مقاله از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱ - بابرنامه فارسی، نسخه خطی، موزه ملی هند، دهلی نو
- ۲ - سیرالمنازل، سنگین بیگ، نسخه خطی موزه قلعه سرخ دهلی
- ۳ - نسخه خطی: تاریخ خاندان تیموری که توسط امپراتور شاه جهان برای مصور کردن آن ۸۰۰۰ روپیه خرج شد - کتابخانه خدابخش خان
- ۴ - همایون نامه - نسخه منحصر بفرد موزه بریتانیا - این کتاب در سال ۱۹۰۲ توسط بانو Annette S. Beveridge در لندن با ترجمه انگلیسی و بیوگرافی گلبدن بانو نویسنده کتاب و بیوگرافی زنان معروف خاندان تیموری که در کتاب آمده چاپ و منتشر شد.
- ۵ - رنه گروسه: هند
- ۶ - دکتر شرما: دهلی و بناهای اطرافش
- ۷ - پرس براون: معماری هند
- ۸ - ۱ - تقوی: مقبره همایون و بناهای الحاقی آن
- ۹ - عصر وزندگی همایون
- ۱۰ - گاون هامیلی: شهرهای مغولی هند
- ۱۱ - ابوالفضل غلامی: اکبرنامه فارسی جلد اول

۱۸ - نسخه خطی سیرالمنازل: سنگین بیگ. موزه قلعه سرخ دهلی.

۱۹ - هند: ص. ۱۳۴ R. Grausset